دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث
دوره ۵، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

تحلیل و نقد شیوه برگردان ساختار شرط‌های قرآن به زبان انگلیسی
(بررسی موردی ترجمه‌های آربری، رادول، پیکثال، یوسف علی و صحیح)

محمدامین قاسمی‌نیا[۱]، نصرت نیلساز[۲*]، علی حاجی خانی[۳]، مهدی شفیعیان[۴]

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۴- استادیار گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

دریافت: ۹۷/۶/۱۸ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۵

چکیده

ترجمه مناسب و صحیح جملات شرط از زبان مبدا به زبان مقصد از ظرافت و اهمیت خاصی برخوردار است و برای تحقق این امر، مترجم نباید صرفاً عین الفاظ را به زبان مقصد برگرداند، بلکه لازم است مفهوم عبارات شرطی را در زبان مبدأ در نظر گرفته و نزدیک‌ترین ساختاری که در زبان مقصد چنین مفهومی را می رساند، در برگردان جملات شرط و جواب شرط انتخاب نماید. این امر، در برگردان شایسته جملات شرطی قرآن کریم به انگلیسی، با توجه به برخی تفاوت‌های موجود در ساختار دو زبان و ظرفیت زبان مقصد، از اهمیت بیش‌تری برخوردار بوده و دقت مضاعفی را از سوی مترجم، طلب می‌کند. در پژوهش حاضر، تلاش شده است با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، ضمن بررسی و تبیین انواع جملات شرط در قرآن کریم و معادل دقیق آن‌ها در انگلیسی، به مهم‌ترین لغزش‌گاه‌های ترجمه جملات شرط قرآن به انگلیسی از قبیل توجه به زمان افعال، مفهوم امتناع و تبعید در شرط، مفهوم توقف جزاء بر شرط و برخی موارد دیگر پرداخته شود تا براساس آن، پنج ترجمه آربری، رادول، پیکثال، یوسف علی و صحیح مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. از جمله نتایجی که از این تحقیق بدست می‌آید می‌توان به بیان نکات خاص در ترجمه جملات شرط قرآن که باعث بهبود ترجمه‌ها در این موضع می‌شود و نقد عملکرد پنج مترجم مذکور در ترجمه جملات شرط قرآن به انگلیسی، اشاره کرد.

واژگان کلیدی: جملات شرط، ترجمه انگلیسی قرآن، آربری، رادول، پیکثال، یوسف علی، صحیح بین المللی

*نویسنده مسئول مقاله: Email: nilsaz@modares.ac.ir

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۱- مقدمه

یکی از موارد بسیار مهم در ترجمه بین زبانی، ساختار شرط[1] و مفهوم دقیقی است که این ساختار در حالت‌های مختلف در هر زبانی ایجاد می‌کند. برخی، در تعریف شرط گفته‌اند چیزی است که به سبب وجود چیزی غیر از خودش، واقع شود (سامرایی، ۱٤۲۰، ج٤: ۵۳). همچنین گفته شده است که شرط چیزی است که وجود یک حکم، متوقف بر آن است و از ماهیت آن نیز خارج است (جرجانی، ۱٤۰۵، ج۱: ۱٦٦) و عدم وقوع شرط، موجب عدم وقوع حکم است (شوکانی، ۱۹۹۹، ج۱: ۲۷).

شرط، با یکی از ادوات شرط ایجاد می‌شود. این ادوات، نقش اصلی را در ایجاد مفهوم شرط بر عهده دارند و در اغلب موارد تحقق مضمون جمله دوم، یعنی جمله جواب شرط[2] را، منوط و مشروط به وقوع و یا عدم وقوع جمله اول، یعنی جمله شرط[3]، می‌کنند.

به‌طور کلی ساختار شرط از سه جزء تشکیل شده است: ادات شرط، جمله شرط و جزای شرط.

فعل ماضی در جملات شرط و جواب شرط عربی- به جز چند حالت خاص- معنای مستقبل می‌دهد (برکات، بی تا، ج۲: ۳٤)، همان‌طور که در غیرشرط هم می‌تواند افاده چنین معنایی داشته باشد (سیوطی، ۱٤۲۱، ج۲: ۳۷). این در حالی است که در جملات شرط انگلیسی، اگر فعل شرط و جواب شرط به صورت ماضی، استعمال شوند، معنای مستقبل از آن‌ها فهمیده نمی‌شود (Eastwood، ۱۹۹٤، 337 :)؛ بنابراین در ترجمه این جملات نیاز است که تغییراتی در زمان افعال ایجاد شود.

۱-۱- تعریف مسأله

مسأله این پژوهش، این است که گونه‌های مختلف جملات شرط قرآن که هر کدام معنایی خاص خود شان را ایجاد می‌کنند، چگونه باید به زبان انگلیسی ترجمه شوند تا

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

کم‌ترین تغییر و ریزش معنایی حاصل شود. مفاهیمی که از جملات شرط قرآن بدست می‌آید، متکی به دو عنصر است:

اول: الفاظی که در جمله شرط به‌کار برده شده است.

دوم: سیاق و مفهوم کلی که جمله شرط در آن واقع شده است.

مراد از الفاظ در جملات شـــرط، اعم از ادوات به کار رفته و نوع و زمان فعل مستعمل در جمله است که در برخی موارد در ترجمه جملات شرط قرآن، به انگلیسی باید به کلی تغییر کند تا مفهومی معادل و مســاوی با زبان قرآن در زبان انگلیســی ایجاد شود.

از طرف دیگر، دلیل اهمیت سیاق در ترجمه جملات شرط این است که در برخی موارد، پاره‌ای مفاهیم که در زبان قرآن توسط سیاق ایجاد شده است، در جمله انگلیسی توسط سیاق ایجاد نمی شود و باید در هنگام ترجمه، الفاظی در جمله اضافه شود. در واقع عدم اظهار آن الفاظ، ســبب می‌شــود تا بخشــی از مفهوم جمله از بین برود. عدم توجه به این دو مورد در هنگام ترجمه جملات شــرط قرآن به انگلیســی[٤]، در مواضــع بسیاری در ترجمه انگلیسی قرآن به حدی موجب تغییر یا ریزش معنا می‌شود که بعضاً هدف اصلی جمله از بین می‌رود.

به عبارتی دیگر، جملات شــرط در اغلب موارد این قابلیت را ندارند تا به صــورت تحت اللفظی به زبان مقصــد برگردانده شــوند؛ چرا که این کار در اغلب موارد موجب تغییر معنا و مفهوم جمله شــرط خواهد شــد. جملات شــرط از نظر ممکن یا غیرممکن بودن و نیز زمانی که به آن اشاره دارند، به چندین دسته تقسیم می‌شوند.

مسأله اصلی در این پژوهش این است که یک مترجم در هنگام ترجمه یک جمله شرطیه قرآن به انگلیسی، باید چه عناصری را بشناسد و هرکدام را به چه عنصری در زبان مقصد تبدیل کند تا جمله در زبان مقصد همان مفهوم و سطح تأثیرگذاری را افاده کند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

دلیل انتخاب این پنج مترجم، آشـــنایی ســـطح بالای آن‌ها با زبان عربی و انگلیســـی است؛ به صورتی که در میان دیگر مترجمان انگلیسی قرآن مشاهده نمی شود؛ همچنین این ترجمه‌ها از شهرت بیش‌تری نسبت به دیگر ترجمه‌های انگلیسی قرآن برخوردارند و در اغلب کشورهای غربی از این ترجمه‌ها به عنوان قرآن، استفاده می شود؛ به همین دلیل انتظار می‌رود تا این مترجمان از دقت بیش‌تری در ترجمه بهره‌مند باشند. به عنوان مثال آربری یک خاورشـــناس انگلیســـی اســـت که زبان و ادبیات عربی را در دانشـــگاه کمبریج فرا گرفته است. ترجمه انگلیسی قرآن وی مشهورترین ترجمه انگلیسی قرآن به شمار می‌آید[۵].

در این مقاله، مهم‌ترین لغزش‌گاه‌ها در ترجمه جملات شـــرط قرآن به انگلیســـی، معرفی شده و تمامی آیاتی که مشتمل بر آن لغزش‌گاه‌ها باشد، یک به یک بررسی می شود. از آن‌جا که مجال برای بیان تک تک آیات در مقاله وجود ندارد، به بیان چند مثال برای هر مورد بسنده می‌شود. ملاک انتخاب مثال‌ها، آیاتی هستند که نکات مورد بررسی در آن‌ها نمود بیش‌تری داشته باشد. در پایان هر بخش، نتایج بررسی بقیه مواردی که در متن مقاله بیان نشده است، در قالب جدول‌هایی در انتهای هر بخش ارائه خواهد شد.

۱-۲- سوالات پژوهش

براساس مطالبی که در تعریف مسأله بیان شد، سوالات ذیل محل اصلی بحث در مقاله حاضر هستند.

۱- انواع جملات شرطی از نظر معنا و مفهوم چیست و ساختار هرکدام از آن‌ها در زبان انگلیسی چگونه است؟

۲- اســـتعمال گونه‌های مختلف افعال در شـــرط چه مفهومی را در زبان‌های مبدأ و مقصد ایجاد می‌کند؟

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۳- چه لغزشگاه‌هایی در ترجمه جملات شرط به انگلیسی وجود دارد که باید به آن ها توجه بیش‌تری شود؟

۱-۳- پیشینه پژوهش

در رابطه با مسائل مربوط به ترجمه جملات مختلف قرآن کریم، پژوهش‌های مختلفی انجام شده، اما در رابطه با جملات شرط، به‌طور خاص، پژوهش‌های زیادی انجام نگرفته است. نحویان، مباحثی درباره جملات شرط و حالات و احکام مربوط به آن‌ها مطرح کرده‌اند که همگی در سطح بیان قواعد و احکام بوده و هیچ کدام به بیان لغزشگاه‌ها در ترجمه این جملات نپرداخته‌اند[۶]. تنها دو اثر در این‌باره وجود دارد که اولی پایان نامه‌ای است که به تعابیر مختلف جملات شرط و دیگری در رابطه با شیوه ترجمه جملات شرط قرآن به زبان فارسی، انجام پذیرفته است که یک مقاله نیز از آن استخراج شده است. شرح کار در آثار موردنظر از این قرار است:

۱- پایان نامه تعبیر جملات شرطی در قرآن بر پایه ادات شرط، فاطمه نجات، تحت راهنمایی دکتر غلامرضا دین محمدی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (۱۳۸۳):

نگارنده، در این پایان نامه کوشیده است به این سوال پاسخ دهد که آیا جملات شرط، تعابیر یکسان یا متفاوتی دارند؟ و آیا می‌توان بر پایه ادات شرط جملات شرطی را تعبیر نمود؟ نگارنده معتقد است که ادات شرط‌ها در زبان فارسی به علت تعداد کم شان، مؤثر در تعبیر شرط نیستند؛ اما در زبان عربی به علت تعداد بالای ادات شرط، تعابیر و مفاهیم متعددی برای شرط وجود دارد. در این پایان نامه سه ادات شرط «إن- إذا - لو» بررسی شده و آیات قرآنی مشتمل بر آن‌ها تحلیل شده‌اند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۲- پایان نامه بررســـی نحوی جملات شـــرطی قرآن کریم، مریم آقاجانی، تحت راهنمایی دکتر امیرحسین رسول نیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کاشان (بهمن ۸۹):

در این پایان نامه به انواع ادوات شـــرط در زبان عربی و بیان مفاهیم آن‌ها، بیان جملات شرط غیرممکن و مقایسه آن‌ها با زبان فارسی، حذف در شرط و شیوه ترجمه فاء رابط جواب شرط و لام بر سر جواب شرط لو و لولا از زبان عربی به زبان فارسی پرداخته شده و در هر بخش، آیاتی از قرآن بیان شده و چند ترجمه فارسی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۳- مقـــاله طبقه بندی جمله‌های شرطی زبان عربی در بازتابی از آیات قرآن کریم، امیرحسـین رسـول نیا، مریم آقاجانی، فصـلنامه لسـان مبین (سـال چهارم، دوره جدید، شماره دوازدهم، تابستان ۱۳۹۲، ص ۸۸-۱۰۶):

این مقاله که مستخرج از پایان نامه پیش گفته است، مطالب موجود در پایان نامه را به صورت خلاصه و با حذف مطالب آموزشی جملات شرط، بیان نموده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- ساختار جملات شرط در زبان عربی

در این بخش، مواردی که در هنگام ترجمه جملات شرط عربی بـــاید مورد توجه قرار گیرد، معرفی و بیان می‌گردد. جملات شرط در زبان عربی از دو منظر قابل دسته بندی هستند.

۲-۱-۱- انواع جملات شرط عربی از نظر معنا و مفهوم

هر جمله شرط در زبـــان عربی، مفهومی ایجاد می‌کند که این مفهوم تا حد زیادی به خارج از عوامل لفظی در جمله وابسته است؛ اگرچه که ممکن است عوامل لفظی هم

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

در آن دخیل باشد. مهم‌ترین معیارها برای دسته بندی مفهومی جملات شرط از قرار ذیل است:

۲-۱-۱-۱- از نظر امتناع (امکان یا عدم امکان وقوع)

جملات شرطیه، از نظر امکان وقوع به دو دسته تقسیم می‌شوند. به طور کلی اگر جمله شرط در صدد بیان شرایط خاص برای زمان مضارع یا آینده باشد، شرط می‌تواند احتمال وقوع داشته باشد و اگر صرفاً از امری که گذشته و منقضی شده، یاد کند و یا شرایط فرضی محال برای آینده را ترسیم کند، این شرط یک شرط ممتنع الوقوع به حساب می‌آید.

دو حرف از حروف شرط در زبان عربی، مفهوم امتناع دارد. مفهوم امتناع، به این معناست که جزای شرط هرگز واقع نخواهد شد؛ به عبارت دیگر، در جایی که لازم است مخاطب بداند که شرط، محقق نشده و به تبع آن جزای شرط نیز محقق نخواهد شد، از این دو حرف استفاده می‌شود.

حرف «لو»، زمانی که در معنای شرط استعمال شود و سیاق ماضی باشد، مفهوم امتناع ایجاد می‌کند (ابن هشام، بی‌تا، ج۱: ۲۵۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج۲: ۳۸۳).

امتناع در حرف «لو»، از نوع «امتناع لامتناع» است؛ یعنی به دلیل عدم تحقق شرط، جزای شرط نیز محقق نمی‌شود (سیوطی، ۱٤۲۱، ج۱: ٥۲٦).

یک مثال برای «لو»، آیه شریفه ﴿**وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ**﴾ (حجرات/۵) است که مراد از آن این است که آن‌ها صبر نکردند و برای آن‌ها بهتر نشد.

حرف «لولا» نیز به «لو» شباهت دارد، با این تفاوت که امتناع در «لولا» از نوع «امتناع لوجود» است (سیوطی، ۱٤۲۱، ج۱: ٥۲۸؛ ابن هشام، بی‌تا، ج۱: ۲۷۲).

به عنوان مثال در آیه شریفه ﴿**وَ لَوْ لا فَضْلُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ ما زَكى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدا**﴾ (نور/۲۱)، عدم تزکیه بندگان، منوط به عدم وجود فضل و رحمت خداوند شده

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

است و مفهومی که از آیه شریفه برداشت می شود، این است که اگر فضل و رحمت خدا نبود، شما پاک نمی‌شدید، اما حال که رحمت و فضل خدا وجود دارد شما هم پاک می‌شوید.

در این دو حرف شرط که بیان شد، اگر شرط ماضی باشد[۷]، مفهوم شرط قطعاً ممتنع است و جواب، هرگز به وقوع نمی‌پیوندد؛ زیرا فعلی که در زمان ماضی محقق شده و یا نشده، قابل تغییر نیست و در صورت وجود احتمال برای وقوع جواب، ماضی بودن شرط منتفی است و دیگر نمی‌توان «لو» را از نوع امتناعیه دانست (ابن هشام، بی‌تا، ج۱: ۲٦۵).

البته باید توجه داشت که شرط ممتنع الوقوع در زمان مستقبل نیز وجود دارد؛ برای شناسایی شرط‌های ممتنع الوقوعی که زمان آن‌ها آینده است، باید از عقل بهره برد. در این‌جا عقل تشخیص می‌دهد که آیا شرایطی که در جمله شرط بیان شده است امکان وقوع دارد و یا جمله شرط، تنها در صدد تصویرسازی از یک شرایط فرضی و غیرممکن است.

به عنوان مثال در آیه شریفه ﴿**إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ**﴾ (زخرف/۸۱)، با استفاده از قرائن عقلی که خارج از این جمله هستند، می‌توان به ممتنع الوقوع بودن این شرط پی برد.

خاصیت حرف «لو» در شرط، فرض شرایطی است که در واقع وجود ندارد (مدنی، بی‌تا: ۹۰۱؛ ابن دمامینی، بی‌تا، ج۲: ۱۷۹)؛ برخلاف حرف «إن» که خاصیت آن تعلیق یک امر به امری مستقبل و محتمل است (همان) و اغلب در همین مورد به‌کار می‌رود. بر همین اساس، اگر حرف «لو» در جایی به‌کار برده شود که مراد از آن شرط مستقبل محتمل باشد، آن را به معنای «إن» تلقی می‌کنند (مدنی، بی‌تا: ۹۰۲).

بنابراین، به طور کلی می‌توان بیان کرد که معمولاً هرگاه از حرف «إن» برای ایجاد شرط بهره گرفته شود، شرط از نوع ممکن الوقوع بوده و هرگاه از حرف «لو» استفاده شود، شرط از نوع ممتنع الوقوع است[۸].

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

شرط با استفاده از حرف «إن» یکی از شایع‌ترین انواع شرط است و از آن‌جا که این حرف و اخواتش مختص مستقبل هستند (ناظر الجیش، بی‌تا، ج۹: ٤٤١٦)، شرط را اغلب در مستقبل می‌دانند.

اکثر جملات شرط قرآن از نوع ممکن الوقوع هستند. در این نوع از شرط، حتی اگر افعال موجود در جمله از نوع ما ضی با شند، به م ستقبل تأویل می شوند (ابن‌جنی، بی‌تا، ج۳: ۷۸).

۲-۱-۱-۲- از نظر برقراری رابطه سببیت بین شرط و جزاء

برخی از نحویان، اعتقاد دارند که جملات شـرطی از جهت برقراری رابطه سـببیت، بین شرط و جزاء، دو دسته هستند. این گروه از نحویان، مفهوم سببیت در شرط را اصل می دانند؛ اما همچنان باور دارند که در برخی از جملات شـــرط، بین شـــرط و جزاء رابطه سببیت برقرار نیست.

به عنوان مثال می‌توان به آیه شـــریفه ﴿**فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللهَ لا يُحِبُّ الْكافِرِين**﴾ (آل عمران/۳۲) اشاره کرد. در این آیه، این حقیقت که خداوند، کفار را دوست ندارد، مسبب تولی آن‌ها نیست.

حسـن، به نقل از ابن حاجب، می‌گـــــوید: «جزاء دو نوع اسـت، یک قسـم از آن، م ضمونش م سبب م ضمون شرط ا ست، مثل جمله «إن جئتنی أکرمتک». در این جمله اکرام، م سبب آمدن ا ست و در ق سم دیگر م ضمونش م سبب شرط نی ست؛ بلکه فقط إخبار از جزاء شـــرط، مســـبب شـــرط اســـت. به عنوان مثال در جمله «إن تکرمنی فقد أکرمتک أمس»، اکرام در روز گذشـته، نمی‌تواند مسـبب اکرام در آینده باشـد. در چنین جمله‌ای فقط إخبار از جزای شرط، مسبب شرط است.» (حسن، ١٣٦٧، ج٤: ٣٩٦)

در این میان برخی دیگر از نحویان، اعتقاد دارند که جزاء شـــرط از آن رو که جزای شرط است باید مسبب آن باشد. این گروه از نحویان در مثال‌هایی که جزای شرط ظاهراً

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

مسبب شرط نیست، جمله جواب شرط را محذوف تلقی کرده و جمله ظاهر را دال بر آن می‌دانند.

به عنوان مثال در آیاتی همچون ﴿**مَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ اللهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللهِ لَآت**﴾ (عنکبوت/ ۵)، از آن‌جا که جمله ظاهر، رابطه سببیت با شرط ندارد، باید جزای شرط محذوف گرفته شود (ابن هشام، بی‌تا، ج۲: ٦٤١).

۲-۱-۱-۳- از نظر توقف یا عدم توقف جزاء بر شرط

در یک نوع از جملات شرط، جزای شرط فقط از طریق شرط محقق می‌شود و راه دیگری جز آن برای تحقق جزاء وجود ندارد؛ اما در برخی دیگر از جملات شرط، راه های دیگری جز شرط نیز وجود دارد که به تحقق جواب می‌انجامد.

به عنوان مثال درجمله «اگر باران بیاید، زمین خیس می شود»، خیس شدن زمین متوقف بر باریدن باران نیست؛ چرا که برای خیس شدن زمین، راه‌های دیگری نیز وجود دارد. با توجه به این معیار جملات شرط به دو دسته تقسیم می‌شوند.

تنها راه تشخیص توقف جزاء بر شرط، عقل است و جز در موارد اندکی که قواعد آن‌ها قابل تعمیم نیز نیستند، قرینه لفظی برای تشخیص این مسأله وجود ندارد[۹]. توقف جزاء بر شرط، به این معناست که در صورت انتفاء شرط، جزاء، نیز منتفی شده و هیچ راه دیگری برای واقع شدن جزاء از طریق غیرشرط وجود ندارد. در چنین شرط‌هایی علماء علم فقه، شرط را داری مفهوم مخالفی که حجیت دارد، می‌دانند.

این علماء برای دریافت مفهوم مخالف از یک جمله شرط، دو شرط را بیان می‌کنند:

۱- جزاء، عقلاً متوقف بر وقوع شرط باشد و تحقق جزاء، بدون تحقق شرط عقلاً امکان پذیر نباشد. به عنوان مثال در جمله «اگر علی به فلان محل رفت، من هم همراه او می‌روم»، تحقق جزاء بدون شرط منتفی است؛ چرا که مصاحبت کردن با علی برای رفتن به فلان محل، بدون این‌که وی به آن‌جا برود عقلاً امکان پذیر نیست.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۲- قید مذکور در جمله، به عنوان یک قید برای حکم بیان شده باشد. به عنوان مثال در جمله «اگر فلان شیء هنوز سالم است، آن را می‌خواهم»، حکم جمله منوط به سالم بودن آن شیء است و مخاطب در صورتی که آن شیء را خراب بیابد، می‌فهمد که گوینده آن را نمی‌خواهد؛ چون این حکم قید سالم بودن را در دل خود جای داده است (مروجی، ۱٤۱۰، ج۳: ۱۰۷).

در شرطی که جزاء، متوقف بر شرط نیست، راه‌های دیگری جز شرط نیز برای تحقق جزاء وجود دارد. از این رو که وقوع جزاء بدون شرط امکان پذیر است، علماء، حجیت مفهوم مخالف در این نوع از شرط را قبول ندارند.

۲-۱-۱-۴- از نظر زمان شرط

شرط می‌تواند مربوط به زمان گذشته و یا آینده باشد. شرطی که مربوط به گذشته باشد، قطعاً تغییرناپذیر و شرطی که مربوط به آینده باشد، ممکن است تغییرپذیر یا تغییرناپذیر باشد.

افعال، در جملات شرط و جزاء، می‌توانند در زمان ماضی یا مضارع باشند، ولی در زبان عربی، فعل ماضی در جملات شرط، افاده معنای استقبال می‌کند (برکات، بی تا، ج۲: ۳٤؛ حسن، ۱۳٦۷، ج۱: ٤۸۷)، همان‌طور که در غیر شرط هم، می‌تواند افاده چنین معنایی داشته باشد (سیوطی، ۱٤۲۱، ج۲: ۳۷)؛ مگر این‌که فعل ماضی در شرط، با فعل «کان» همراه باشد؛ در چنین شرایطی برخی از نحویان این احتمال را می‌دهند که شرط مربوط به زمان ماضی باشد (ناظر الجیش، بی‌تا، ج۱: ۲۱۸).

به عنوان مثال، در آیه شریفه ﴿**إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَه**﴾ (مائده/ ۱۱٦)، از آن‌جا که حضرت عیسی(ع) در روز قیامت حکایتی درباره گذشته را بیان می‌کند، مبرد و ابن اثیر، این شرط را مربوط به زمان گذشته می‌دانند و در هر شرطی که در آن فعل «کان» به‌کار برده شده باشد، زمان شرط را ماضی معرفی می‌کنند (سبکی، بی‌تا، ج۱: ۳۳۲ به نقل از مبرد؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج۲: ٦۳۳).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

البته جمهور نحویان، شـــرط با «إن» در زمان گذشـــته را قبول ندارند و یک فعل که مســتقبل باشــد را در تقدیر می‌گیرند (ســبکی، بی‌تا، ج۱: ۳۳۲)؛ به عنوان مثال در این آیه یک فعـــــل «یتبیّن» در تقدیر گرفته می‌شود تا زمان فعل به آینده برگردد و تقدیر آیه به این صورت می‌شود: ﴿**إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ يُتَبَيَّن أنّک عَلِمْتَه**﴾.

ابن‌هشام در *مغنی اللبیب* نیز، همین نظر را دارد و بیان می‌کند که شرط، فقط مختص زمان آینده است و در چنین جملاتی باید مفهوم ثبوت در تقدیر گرفته شود (ابن هشام، بی‌تا، ج۱: ۲۸۰).

مثال دیگر، برای شرطی که در آن فعل «کان» به‌کار برده شده است، آیه شریفه ﴿**وَ إِنْ كانَ قَمِيصُــهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ**﴾ (یوســف/ ۲۷) می‌باشــد. در این آیه، متکلم، احتمال وقوع یا عدم وقوع در زمان گذشــته را بیان می‌کند (رضــی الدین اســتر آبادی، ۱۳۸٤، ج۳: ۱۸٦).

۲-۱-۲- انواع جملات شرط عربی از نظر زمان الفاظ افعال شرط و جزاء

افعال، در جملات شرط و جزاء شرط از نظر زمان لفظی می‌توانند حالات مختلفی داشته باشند؛ هر دو مضارع و یا یکی مضارع و دیگری ماضی باشد. (شرتونی، ۱۳۸۷، ج٤: ۱۷٦).

زمان شرط از نظر مفهومی، اغلب مستقبل است و تفاوت زمان افعال به‌کار برده جز ایجاد معنای قطعیت تحقق در صــورت اســتعمال فعل ماضــی تفاوت دیگری در مفهوم جمله ایجاد نمی‌کند (سیوطی، ۱٤۲۱، ج۲: ۳۷).

۲-۲- ساختار جملات شرط در انگلیسی

هر جمله شرطی در زبان انگلیسی، همانند دیگر زبان‌ها به سه بخش تقسیم می‌شود. در زبان انگلیسی جمله جواب شرط (Main Clause)، می‌تواند بر شرط و ادات شرط مقدم شــده و ادات شــرط در وســط جمله قرار گیرد (Murphy، ۲۰۱۱، :۲۰۱)؛ برخلاف زبان

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

عربی که جواب شرط الزاماً باید بعد از ادات و جمله شرط ذکر شود (شرتونی، ۱۳۸۷، ج٤: ١٧٦). جملات شرط در زبان انگلیسی نیز به دو دسته ممکن و غیرممکن تقسیم می شوند (Eastwood، ١٩٩٤، :٣٣٤).

۲-۲-۱- شرط‌های ممکن[۱۰]

جملات شرطی ممکن، شروطی که واقعی بوده و یا امکان وقوع دارند را، بیان می‌کند. دو نوع شرط در زبان انگلیسی، مفهوم امکان را افاده می‌کند. در نوع اول که در دستور زبان انگلیسی، نوع صفرم از جملات شرطی نامیده می‌شود، یک حقیقت و یا یک قاعده علمی بیان می‌گردد. به عبارت دیگر، در جملات شرطی نوع صفر، جزای شرط به صورت خودکار به دنبال شرط، بدون هیچ قیدی واقع می‌شود و اصطلاحاً رابطه علت و معلولی بین آن‌ها برقرار است (Eastwood، ١٩٩٤، :٣٣٥)[۱۱]. ساختار در این نوع از جملات شرط به این صورت است:

If + حال ساده + حال ساده

در نوع دوم از جملات شرط ممکن، که در دستور زبان انگلیسی جملات شرطی نوع اول نامیده می‌شود، جواب شرط مسبّب شرط است و وقوع آن به‌صورت خودکار نیست؛ بلکه تنها به سبب آن است (Eastwood، ١٩٩٤، :٣٣٥)[۱۲]. در این نوع از جملات شرطی ساختار جمله به این صورت است:

If + حال ساده + آینده ساده

۲-۲-۲- شرط‌های غیرممکن[۱۳]

جملات شرطی غیرممکن، شروطی که غیرواقعی بوده و یا فرضی غیرممکن است را، بیان می‌کند. البته در موارد معدودی نیز امکان دارد که شرایط نزدیک به غیرممکن هم در این بخش وارد شود. دو نوع از جملات شرط در زبان انگلیسی، مفهوم غیرممکن بودن را افاده می‌کند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

در نوع اول، از جملات شـــرطی غیرممکن که در دســـتور زبان انگلیســـی، جملات شـــرطی نوع دوم نامیده می‌شـــود، به کارگیری فعل ماضـــی (که امکان تغییر در آن وجود ندارد)، باعث ایجاد یک مفهوم تقریباً غیرممکن در شـــرط می‌شـــود (Eastwood، ۱۹۹٤، : ۳۳٦)[۱٤]. در این نوع، وقوع جمله جواب، اگرچـــــه که عقلاً امکان پذیر ا ست، اما عملاً بسیار بعید است. در این نوع از جملات شرط، ساختار جمله به این صورت است:

If + ماضی ساده + ... + would

یک راه دیگر برای ایجاد چنین معنایی در شـــرط، این اســـت که در جمله شـــرط، به جای ا ستعمال ما ضی ساده از کلمات should یا happen to ا ستفاده شود؛ که البته این ساختار، بسیار رسمی است و بیش‌تر در ترجمه متون قدیمی یا خیلی رسمی استفاده می شود (Eastwood، ۱۹۹٤، :۳۳۸).

به عنوان مثال در ترجمه آیه شریفه ﴿**إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**﴾ (بقره/ ۲۳)، اگر از (Should) در جواب شرط استفاده شود، مفهوم دقیق‌تری منتقل می‌شود؛ چرا که در این آیه شریفه، از سیاق، بر می‌آید که راست‌گو بودن آن‌ها بسیار بعید باشد[۱۵].

در نوع دوم، جملات شرطی غیرممکن که در د ستور زبان انگلیسی جملات شرطی نوع سوم نامیده می شوند، حکایت از یک اتفاق در گذ شته ا ست و با بیان شرط، این مفهوم القاء می‌شـــود که اگر شـــرایط به صـــورت دیگری پیش می‌رفت، نتیجه متفاوتی حا صل می شد. در این نوع از شرط، مفهوم امتناع وجود دارد. ساختار جملات شرطی که از این نوع هستند، به این صورت است:

If + گذشته کامل + Conditional perfect tense (Would have + verb)

۳- لغزش‌گاه‌های ترجمه جملات شرط قرآن به انگلیسی

ترجمه بین زبانی جملات شرط، به‌دلیل قواعد خاص و بی‌شماری که در هر زبان وجود دارد، به دقت بالایی در هر دو زبان مبدأ و مقصد نیاز دارد. در ترجمه جملات شرط از

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

عربی به انگلیسی و مخصوصاً ترجمه قرآن (که از ظرافت خاصی در به کارگیری ساختارها بهره‌مند است)، باید به نکات متعددی توجه شود، تا مفهوم آیه تغییر نکند. مهم‌ترین این موارد در ادامه بررسی خواهد شد.

۳-۱- استعمال ماضی استمراری در شرط

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، در زبان عربی، افعال ما ضی در شرط[۱۶]، افاده معنای مستقبل می‌کنند (حسن، ۱۳٦۷، ج۱: ٤۸۷)؛ این در حالی است که استعمال فعل ماضی در جملات شرطی انگلیسی، مفهوم دیگری جز مفهوم استقبال ایجاد می‌کند. در زبان انگلیسی، زمانی از فعل ماضی استفاده می‌شود که یا واقعاً زمان شرط مربوط به گذشته باشد (Eastwood، ۱۹۹٤، :۳۳۷) و یا قصد ایجاد مفهوم امتناع در شرط، وجود داشته باشد.

یکی از موارد بسیار مهم در توجه به زمان افعال در ترجمه آیات قرآن، آیاتی است که در آن‌ها جمله شرط دارای مفهوم استمرار باشد. در زبان عربی هرگاه، «کان» در کنار فعل مضارع قرار بگیرد، مفهوم استمرار ایجاد می‌کند.

در آیه شریفه ﴿**مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ**﴾ (اسراء/ ۱۸)، فعل شرط به صورت ماضی استمراری به کار برده شده است. علامه طباطبایی در توضیح این آیه بیان کرده است که خواستن دنیا به دو صورت است: اول این‌که فردی دنیا را بخواهد تا از طریق آن به آخرت برسد و اسباب آن را در جهت نیل به آخرت استفاده کند و دوم این‌که فردی دنیا را فقط برای دنیا بخواهد و به گونه‌ای آن را بخواهد که اصلاً جایی برای آخرت نماند. طبیعتاً حالت اول، مورد مذمت این آیه نیست و آن چه که باید مورد مذمت قرار بگیرد، حالت دوم است. از این‌رو در این آیه از ماضی استمراری استفاده کرده تا مفهوم «کسی که پیوسته به دنبال متاع زودگذر باشد...»، را برساند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۳: ٦۳).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

اکنون ترجمه آیه مذکور و ترجمـــــه تعدادی دیگر از آیات که از چنین شـــرایطی برخوردارند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ARBERRY: "Whosoever desires this hasty world, We hasten for him therein what We will unto whomsoever We desire"

PICKTHALL: "Whoso desireth that (life) which hasteneth away, We hasten for him therein what We will for whom We please"

RODWELL: "Whoso chooseth this quickly passing life, quickly will we bestow therein that which we please--even on him we choose"

SAHEEH: "Whoever should desire the immediate - We hasten for him from it what We will to whom We intend"

YUSUFALI: "If any do wish for the transitory things (of this life), We readily grant them - such things as We will, to such person as We will"

با توجه به تفسـیر علامه طباطبایی، باید در ترجمه این جمله به انگلیسـی از واژه‌ای در جمله شرط استفاده شود تا مفهوم استمرار را برساند. لازم به ذکر است که استعمال ما ضی ا ستمراری در جمله شرط در زبان انگلیسی، مجاز نیست و در هیچ‌یک از کتب گرامر چنین ساختاری ارائه نشده است؛ بنابراین بهترین حالت برای انتقال این مفهوم به انگلیسی استفاده از واژه Constantly است که مفهوم استمرار را در آیه به خوبی منتقل می‌کند.

ضمناً، یو سف علی در ترجمه این جمله، ا سم شرط «من» را به حرف شرط «إن» تغییر داده است که این عمل فاصله گرفتن از لفظ زبان مبدأ است. بنابراین بهتر است که از Whoever و یا کلماتی که معنایی معادل با آن دارند، استفاده شود.

ترجمه پیشنهادی:

Whoever constantly desires the immediate …

﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ﴾ (حج/ ۱۵)

براساس نظر علامه طباطبایی، در این آیه، حکایت از داستانی است که در زمان گذشته واقع شده ا ست. م شرکین می‌پندا شتند، دینی که پیامبر (ص) آورده ا ست، یک دین دروغین ا ست و

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

هرگز منتشر نخواهد شد و مورد حمایت خداوند هم نخواهد بود. از این‌رو زمانی که پیامبر (ص) به مدینه مهاجرت کرد و دینش گســـترش یافت، خداوند خطاب به افرادی که آن‌گونه می پنداشـــتند، فرمود: «هرکس که گمان می‌کرد که خداوند پیامبرش را یاری نخواهد کرد، اکنون باید خود را خفه کند!» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱٤: ۳۹۲). با توجـــــه به این مطلب، شرط در این جملات باید به صورتی ترجمه شود که مفهوم ماضی استمراری را نیز افاده کند.

ARBERRY: "Whosoever thinks God will not help him in the present world and the world to come; let him stretch up a rope to heaven"

PICKTHALL: "Whoso is wont to think (through envy) that Allah will not give him (Muhammad) victory in the world and the Hereafter (and is enraged at the thought of his victory), let him stretch a rope up to the roof (of his dwelling)"

RODWELL: "Let him who thinketh that God will not help His Apostle in this world and in the next, stretch a cord aloft as if to destroy himself"

SAHEEH: "Whoever should think that Allah will not support [Prophet Muhammad] in this world and the Hereafter - let him extend a rope to the ceiling"

YUSUFALI: "If any think that Allah will not help him (His Messenger) in this world and the Hereafter, let him stretch out a rope to the ceiling"

جز در ترجمه پیکثال که با بهره‌گیری از کلمه wont، مفهوم اســـتمرار را منتقل کرده اســـت، در هیچ‌کدام از این ترجمه‌ها مفهوم ماضـــی اســـتمراری در جمله شـــرط، منعکس نشده است. به علاوه در ترجمه یوسف علی، ادات شرط هم به «إن» تغییر کرده است. براساس آن‌چه که بیان شد، بهترین ترجمه برای این آیه، به این شکل پیشنهاد می‌شود.

ترجمه پیشنهادی:

Whoever had been thinking that He will not help him [Prophet Muhammad] in this world

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا﴾ (هود/ ۱۵)

در این آیه شریفه، همچون آیات پیشین، استعمال فعل «کان» در کنار فعل مضارع، افاده معنای اســـتمرار در شـــرط می‌کند. مفهوم اســـتمرار در این آیه، معنایی همچون،

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

«هرکس که پیوسته به دنبال زندگی دنیا باشد...»، ایجاد می‌کند که گویی آن فرد اصلاً وقتی برای آخرت ندارد (آلو سی، ١٤١٥، ج٦: ٢٢٦). این معنا زمانی رو شن‌تر می شود که در آیه بعد می‌فرماید: ﴿ **أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ**﴾ (هود/ ١٦)؛ چرا که اگر کسی بخشی از وقت خود را صرف آخرت کند، قطعاً بهایی از آن خواهد داشت و تنها کسی در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد که پیوسته به دنبال دنیا بوده باشد. اغلب مترجمان به این نکته در آیه شریفه دقتی نکرده و معنای آیه را بدون در نظر گرفتن مفهوم استمرار، به انگلیسی منتقل کرده‌اند.

ARBERRY: "Whoso desires the present life and its adornment, We will pay them in full for their works therein"

PICKTHALL: "Whoso desireth the life of the world and its pomp, We shall repay them their deeds herein"

RODWELL: "Those who choose this present life and its braveries, we will recompense for their works therein"

SAHEEH: "Whoever desires the life of this world and its adornments - We fully repay them for their deeds therein"

YUSUFALI: "Those who desire the life of the present and its glitter,- to them we shall pay (the price of) their deeds therein"

با توجه به مطالبی که در توضیح آیه شریفه بیان شد، ترجمه پیشنهادی جمله شرط در این آیه، به‌صورت زیر خواهد بود.

ترجمه پیشنهادی:

Whoever constantly desires the life of this world and its adornments, …

ساختار ماضی استمراری در جملات شرط، در ۹ آیه از قرآن کریم به‌کار رفته است که براساس ٤٥ یادداشت که از بررسی ترجمه این ۹ آیه بدست آمده است، به این نتیجه می‌رسیم که چهار مترجم در ترجمه این‌گونه آیات، ۱۰۰ درصد خطا کرده‌اند و فقط پیکثال در ترجمه یک مورد، موفق بوده است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۳-۲- مفهوم امتناع یا تبعید در شرط

یکی دیگر از مواردی که در هنگام ترجمه جملات شرط باید به آن توجـــــه کرد، نوع شرط و مفهومی است که جمله شرط در زبان مبدأ افاده می‌کند. برخی از جملات شرط، افاده مفهوم شرط‌های غیرممکن یا بعید می‌کنند. تشخیص این‌گونه جملات اکثراً وابسته به عقل اســت و عوامل لفظی در آن‌ها دخیل نیســتند؛ به عبارت دیگر، با صــرف‌نظر از سیاق، نمی‌توان مفهوم این جملات را به‌درستی منتقل کرد.

در زبان عربی، مفهوم ا صلی حرف «لو»، ایجـــــاد معنای امتناع ا ست. گاه در جمله شرطیه‌ای که مفهوم امتناع دارد، حرف «إن» ا ستعمال شده ا ست که محل ا صلی لغزش مترجمان ا ست. البته باید توجه دا شت که مفهوم امتناع در حرف «إن»، مخصوص زمان آینده است.

در برخی از آیات قـــــرآن کریم، مشاهده می‌شود که خداوند در مقامی خاص، یک شرط را بیان کرده و برای آن جزایی خاص را بیان می‌کند و سیاق آن به‌گونه‌ایـست که نشان دهنده عدم وقوع شرط و جزای شرط ا ست. از جمله این آیات می‌توان به آیات تحدی اشـــاره کرد. ســیاق، در این آیات، به‌گونه‌ایســت که خداوند به همه جن و انس د ستور می‌دهد که «اگر را ستگو ه ستند، سعی کنند تا مثل این قرآن را بیاورند». چنین سیاقی به رو شنی نشان دهنده این ا ست که شما نمی‌توانید مثل این قرآن را بیاورید و شما راستگو نیستید؛ شاهد بر این مطلب، آن است که در آیه ٢٤ سوره بقره، بعد از بیان این تحدی می‌فرماید: ﴿**فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ وَ لَن تَفْعَلُوا**﴾، که این جمله به روشنی تایید می‌کند که آن‌ها قدرت بر، آوردن مثل قرآن ندارند و دروغ‌گو هســتند. در زبان انگلیســی برای نشان دادن بعید بودن شرط از نوع دوم جملات شرطی ا ستفاده می شود. در این نوع از جملات شرطی، استعمال فعل ماضی در شرط و به کار بردن «would» در جواب شرط، اگرچه که مفهوم شـــرط مربوط به زمان آینده اســـت، مفهوم بعید بودن را ایجاد می‌کند

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

(Eastwood، ۱۹۹٤، :۳۳٤). با توجه به مطالب بیان شده، به بررسی ترجمه برخی از آیات از این نوع خواهیم پرداخت.

﴿فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره/ ۹٤)

ARBERRY: "then long for death -- if you speak truly"
RODWELL: " then wish for death, if ye are sincere"
PICKTHALL: " then long for death (for ye must long for death) if ye are truthful"
YUSUFALI: "then seek ye for death, if ye are sincere"
SAHEEH: " then wish for death, if you should be truthful"

آیه بعد از این آیه با آوردن جمله ﴿وَ لَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِم﴾ که مشتمل بر نفی ابد است، به خوبی نشان دهنده این مطلب است که آن‌ها راست‌گو نبوده و سرای آخرت هم متعلق به آن‌ها نیست، به همین دلیل هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد. همچون آیه پیشین، آربری، رادول، پیکثال و یوسف علی از نوع اول جملات شرطی انگلیسی، بهره برده و فعل را در جمله شرط به صورت مضارع استعمال کرده‌اند؛ اما ترجمه صحیح با استفاده از کلمه «Should»، مفهوم بعید و غیرواقعی بودن شرط را نشان داده است و به همین دلیل این ترجمه بهترین ترجمه برای ساختار مورد نظر در آیه است.

﴿وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا﴾ (کهف/ ۳٦)

ARBERRY: " I am indeed returned to my Lord, I shall surely find a better resort than this"
RODWELL: " if I be taken back to my Lord, I shall surely find a better than it in exchange"
PICKTHALL: "if indeed I am brought back unto my Lord I surely shall find better than this as a resort"
YUSUFALI: "if I am brought back to my Lord, I shall surely find (there) something better in exchange"

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

SAHEEH: " if I should be brought back to my Lord, I will surely find better than this as a return

در این آیه، با توجه به جمله پیشین ﴿**وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً**﴾، گوینده وقوع شرط را بسیار بعید می‌داند و می‌گوید: «بر فرض که به نزد پروردگارم بازگردانده شوم، در نزد او بازگشت‌گاه بهتری خواهم یافت». با توجه به مطالب بیان شده، ترجمه‌های آربری، رادول، پیکثال، یوسف علی که از فعل مضارع در شرط استفاده کرده‌اند، مفهوم بعید بودن شرط را منتقل نساخته‌اند. در مقابل ترجمه صحیح با استعمال لفظ «Should» در انتقال این معنا موفق بوده است.

در قرآن، این مفهوم در ۷۸ آیه آمده است که با بررسی تمامی آن‌ها میزان دقت مترجمان در ترجمه این آیات به صورت ذیل بدست می‌آید.

نام مترجم	تعداد آیات بررسی شده	تعداد صحیح	تعداد غلط	درصد صحت ترجمه
صحیح	۷۸	٦۸	۱۰	۸۷.۱۸٪
پیکثال	۷۸	۱۹	۵۹	۲٤.۳٦٪
یوسف علی	۷۸	۱۷	٦۱	۲۱.۷۹٪
آربری	۷۸	۱۲	٦٦	۱۵.۳۸٪
رادول	۷۸	۹	٦۹	۱۱.۵٤٪

۳-۳- مفهوم عدم توقف جزاء بر شرط

در برخی از شرط‌ها، جمله جواب، منوط و متوقف بر جمله شرط است و در برخی دیگر، این رابطه وجود ندارد. گاه عدم توقف شرط بر جزاء، به‌دلیل عدم وجود رابطه سببیت بین جزاء و شرط است و گاه به‌دلیل چند سببی بودن وقوع جزاء است. قسمتی از این موارد، مربوط به مواضعی است که جمله شرط صرفاً در صدد تقویت معنا بوده و نقشی در ایجاد مفهوم شرط در جمله ندارد. جمله شرط اگر به قصد ایجاد مفهوم شرط

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

در جمله به کار برده نشـده باشـد، مفهوم مخـــالف نیز ایجاد نمی‌کند؛ چرا که مفهوم مخالف از مفهوم شـرط نشـأت می‌گیرد و از بین رفتن مفهوم شـرط در جمله، باعث از بین رفتن مفهوم مخالف نیز می شود. به عنوان مثال در جمله «به تو کمک نمی‌کنم حتی اگر التماسم کنی»، اگرچه جمله شرط به کار برده شده است، اما اگر کسی از این جمله، این معنا که «اگر التماسم نکنی به تو کمک می‌کنم» را، برداشت کند به اشتباه رفته است. در زبان فار سی و انگلیـسی با ا ضافه کردن کلماتی مثل «حتی اگر»، «اگرچه[۱۷]»، « Even though»، «Even if» وغیره می‌توان این مفهوم را ایجـاد کرد، اما در زبان عربی، فهم این معنا، تنها وابســته به عقل بوده و جز چند مورد خاص، بر طبق قرائن لفظی نمی‌توان به آن پی برد[۱۸].

همچون «لو» وصـــلیه، یک نوع از «إن» و نوعی دیگر از «لو» وجود دارد که علیرغم شرطیه بودن، مفهوم شرط ایجاد نکرده و صرفاً برای تأکید بیش‌تر بر معنا ا ستعمال می شود (سیوطی، ١٤٢١، ج١: ٤٧٦). تشخیص این نوع از حروف شرط، تنها وابسته به قرائن عقلی است.

نکته حائز اهمیت در ترجمه این دو نوع از حروف شرط، این ا ست که چون مفهوم شرط را از دست داده‌اند، باید به‌گونه‌ای ترجمه شوند که امکان برداشت مفهوم مخالف از ترجمه نیز، وجود نداشته باشد. در اکثر آیاتی که بیان خواهد شد مفهوم از نوع موافق و از نوع قیاس اولویت است.

﴿لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ﴾ (آل عمران/ ١٥٤)

ARBERRY: "Even if you had been in your houses, those for whom slaying was appointed would have sallied forth unto their last couches'"

RODWELL: "Had ye remained in your homes, they who were decreed to be slain would have gone forth to the places where they lie"

PICKTHALL: "Even though ye had been in your houses, those appointed to be slain would have gone forth to the places where they were to lie".

YUSUFALI: "Even if you had remained in your homes, those for whom death was decreed would certainly have gone forth to the place of their death"

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

SAHEEH: "Even if you had been inside your houses, those decreed to be killed would have come out to their death beds".

با توجه به سیاق، مشخص است که منظور از این آیه شریفه، این است که در هیچ حالی قضای الهی تغییری نمی‌کند و افرادی که قرار بوده در فلان مکان کشته شوند، حتماً در همان مکان کشته خواهند شد؛ حتی اگر در آن زمان در رخت‌خواب‌هایشان خوابیده باشند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج٤: ٥٠). بنابراین نمی‌توان از این آیه مفهوم «اگر در رخت‌خوابشان نبودند به قتل‌گاه‌شان برانگیخته نمی‌شدند» را برداشت کرد؛ بلکه همانند آیه پیشین، مفهوم در این آیه از نوع قیاس اولویت است. از این رو رادول در ترجمه آیه اشتباه کرده است.

﴿وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا﴾ (أنفال/ ٢٣)

ARBERRY: "if He had made them hear, they would have turned away"

RODWELL: "even if He had made them hear, they would certainly have turned back"

PICKTHALL: "but had He made them hear they would have turned away, averse"

YUSUFALI: "if He had made them listen, they would but have turned back"

SAHEEH: "And if He had made them hear, they would [still] have turned away

در ابتدای این آیه شریفه، خداوند متعال فرموده است: ﴿**وَ لَوْ عَلِمَ اللهُ فِيهِمْ خَيْراً لَأَسْمَعَهُم**﴾، اگر در آن‌ها خیری وجود داشت، خداوند آن‌ها را شنوا می‌ساخت.

علامه طباطبایی درباره جمله موردنظر بیان می‌دارد معنای آن چنین است، حال که خیر و حسن سیرت در آن‌ها وجود ندارد، حتی اگر خداوند آن‌ها را شنوا کند باز هم روی‌گردان می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۹: ٤٢). بنابراین، نمی‌توان از این آیه چنین معنایی برداشت کرد که اگر خداوند آن‌ها را شنوا کند، آن‌ها روی‌گردان شده و اگر شنوا نکند، روی‌گردان نمی‌شوند؛ بلکه همان‌گونه که بیان شد، مفهوم آیه این است که تا

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

زمانی که آن حُسن سیرت را در خود به وجود نیاورند، اگر خداوند آن‌ها را شنوا کند هم، فایده‌ای به حالشان ندارد و باز هم روی‌گردان می شوند. در ترجمه این آیه، رادول، با آوردن کلمه «even» و ترجمه صحیح با اضافه کردن «still»، در دو قلاب، این معنا را به خوبی منتقل کرده و سه مترجم دیگر در انتقال این معنا موفق نبوده‌اند.

﴿إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللهُ لَهُمْ﴾ (توبه/ ۸۰)

ARBERRY: "if thou askest pardon for them seventy times, God will not pardon them"

RODWELL: "If thou ask forgiveness for them seventy times, God will by no means forgive them"

PICKTHALL: "though thou ask forgiveness for them seventy times Allah will not forgive them".

YUSUFALI: "if thou ask seventy times for their forgiveness, Allah will not forgive them"

SAHEEH: "If you should ask forgiveness for them seventy times - never will Allah forgive them"

این جمله در واقع تأکیدی است بر جمله قبل که در همین آیه شریفه آمده است: ﴿اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لا تَسْتَغْفِرْ لَهُم﴾. با توجه به جمله قبل، این معنا روشن می‌شود که استغفار در هرحال، هیچ سودی به حال ایشان نداشته و چه پیامبر (ص) برای آن‌ها استغفار کند و چه نکند، یکسان است. همچنین عدد ۷۰ هم در این آیه خصوصیتی ایجاد نمی‌کند، به صورتی که این معنا فهمیده شود که اگر از یکبار تا ۷۰ بار استغفار شود، پذیرفته نیست و اگر ۸۰ بار با شد، پذیرفته می شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۹: ۳۵۱). برای ترجمه چنین جملاتی در زبان فارسی، از یک کلمه «حتی»، بر سر حرف شرط و یا یک «هم»، بر سر جواب شرط، بهره می‌بریم که همین کار در زبان انگلیسی نیز صحیح است. در نتیجه فقط پیکثال، با آوردن «though»، در نمایاندن این معنا موفق بوده و چهار مترجم دیگر بهترین ترجمه را ارائه نداده‌اند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

ترجمه پیشنهادی:

Even if you asked forgiveness for them seventy times, Allah would never forgive them.

این مفهوم، در ۳۷ آیه از قرآن کریم به‌کار برده شده است که با بررسی ۱۸۵ یادداشت که از عملکرد این پنج مترجم در ترجمه این آیات برداشته شده است، میزان دقت هر مترجم در این مورد براساس جدول ذیل محاسبه می‌شود.

نام مترجم	تعداد آیات بررسی شده	تعداد صحیح	تعداد غلط	درصد صحت ترجمه
صحیح	۳۷	۲٦	۱۱	۷۰.۲۷٪
آربری	۳۷	۲٦	۱۱	۷۰.۲۷٪
یوسف علی	۳۷	۲۳	۱٤	٦۲.۱٦٪
پیکثال	۳۷	۲۲	۱۵	۵۹.٤٦٪
رادول	۳۷	۲۲	۱۵	۵۹.٤٦٪

۳-۴- خلط «إن» وصلیه و مخفّفه

تفاوت «إن» و صلیه و مخففه، در این ا ست که «إن» و صلیه، در صدد ایجاد مفهوم شرط در جمله نبوده و تنها بر معنای جمله تأکید می‌کند. «إن» وصلیه، در قرآن به‌کار برده نشده است و چند موردی که به دلیل شباهت به «إن» و صلیه، باعث شده‌اند که مترجمان آن‌ها را خلط کنند، همگی مخففه از ثقیله هستند. در ترجمه «إن» مخففه از ثقیله، نباید از کلماتی همچون «اگرچه که» و... استفاده شود. معنای «إن» مخففه از ثقیله، تأکید است.

بهترین راه برای تشخیص مخففه بودن این نوع از «إن» در این آیات، توجه به وجود لام فارقه بعد از آن‌ها می‌باشد. به عنوان مثال در آیه شریفه ﴿**وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ**﴾ (بقره/ ۱۹۸)، با توجه به وجود حرف «لام» بر سر «**لَمِن الضَّالین**»، متوجه می‌شویم که «إن» و صلیه، نبوده و از نوع تأکید است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۲: ۵۲٦؛ زمخشری، ۱٤۰۷، ج۱:

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۲٤۷). حرف «إن»، در آیاتی که در آن‌ها بعد از حرف «إن»، «لام» مفتوح آمده اســـت، توسـط همه نحویان، «مخففه از ثقیله» معرفی شـده اسـت[۱۹]. اکنون به بررســی عملکرد مترجمان در ترجمه این آیه می‌پردازیم.

ARBERRY: "though formerly you were gone astray"

RODWELL: "because He hath guided you who before this were of those who went astray"

PICKTHALL: "although before ye were of those astray"

YUSUFALI: "even though, before this, ye went astray"

SAHEEH: "for indeed, you were before that among those astray"

مشخص است که آربری و پیکثال و یوسف‌علی، حرف «إن» را به صورت وصلیه، تلقی کرده و کلماتی همچون «though» و «even if» را در ترجمه آن آورده‌اند. از طرفی دیگر، رادول، در روشـی بسـیار ضـعیف‌تر، به‌طورکلی سـاختار جمله را تغییر داده و با آوردن «who before this...»، جمله را به‌صورت وصفیه آورده است که به علت فاصله گرفتن از ساختار زبان مبدأ، مناسب نیست. تنها ترجمه صحیح در انتقال این معنا، موفق عمل کرده است و با آوردن «indeed»، تأکیدی بودن حرف «إن» را به زبان مقصد منتقل کرده است و همین ترجمه به‌عنوان ترجمه مناسب انتخاب می‌شود.

﴿وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللهُ﴾ (بقره/ ۱٤۳)

ARBERRY: "though it were a grave thing save for those whom God has guided"

RODWELL: "The change is a difficulty, but not to those whom God hath guided"

PICKTHALL: "In truth it was a hard (test) save for those whom Allah guided"

YUSUFALI: "Indeed it was (A change) momentous"

SAHEEH: "And indeed, it is difficult except for those whom Allah has guided."

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

در این آیه نیز، با توجه به وجود حرف «لام» بر ســـر کلمه «**کبیرة**»، در می‌یابیم که «إن» وصلیه، نبوده و از نوع تأکید است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱: ٤١٥؛ زمخشری، ١٤٠٧، ج۱: ۲۰۰). در ترجمه این آیه، به جز آربری که با آوردن کلمه «though»، «إن» را به‌صـــورت شرطیه ترجمه کرده است، بقیه مترجمان، صحیح عمل کرده و «إن» را به‌صورت مخففه و به معنای تأکید آورده‌اند.

﴿**وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ**﴾ (یوسف/ ۳)

ARBERRY: "though before it thou wast one of the heedless"
RODWELL: "of which thou hast hitherto been regardless".

PICKTHALL: "though aforetime thou wast of the heedless"
YUSUFALI: "before this, thou too was among those who knew it not"
SAHEEH: "although you were, before it, among the unaware"

در این آیه نیز همانند آیات قبلی، با وجود حرف «لام» بر ســـر «**لمن الغافلین**»، به مخففه بودن «إن» پی می‌بریم (زمخشری، ١٤٠٧، ج۲: ٤٤١). آربری، یوسف‌علی و صحیح، با آوردن «though»، حرف «إن» را به صورت وصلیه ترجمه کرده‌اند. رادول همانند آیه قبلی از ساختار اصلی جمله مبدأ فاصله گرفته و جمله را به‌صورت وصفیه ترجمه کرده است. بهترین ترجمه در بین این پنج ترجمه، متعلق به یوسف‌علی است که البته وی هم مفهوم تأکید را در آیه نمایش نداده اســـت و از طرفی دیگر «too» را در ترجمه، اضـــافه کرده است که در جمله عربی موجود نیست.

ترجمه پیشنهادی:

And indeed, you were, before it, among the unaware.

یک مورد دیگر، که تا حدود زیادی به مسأله مورد بحث شباهت دارد، اختلاط «إن» نافیه و وصـــلیه اســـت. به عنوان مثال در آیه شـــریفه ﴿**وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ**﴾

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

(ابراهیم/ ٤٦)، حرف «لام» جحود که بر سر فعل «تزول» آمده است، به خوبی نشان دهنده منفی بودن «کان» و نافیه بودن «إن» است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج٦: ٤٩٥).

ARBERRY: "though their devising were such as to remove mountains"

RODWELL: "even though their plots had been so powerful as to move the mountains"

PICKTHALL: "though their plot were one whereby the mountains should be moved"

YUSUFALI: "even though they were such as to shake the hills"

SAHEEH: "even if their plan had been [sufficient] to do away with the mountains"

هر پنج مترجم در ترجمه این آیه از کلماتی نظیر «even though» و «though» استفاده کرده‌اند که نشان دهنده اختلاط «إن» نافیه با «إن» وصلیه است.

ترجمه پیشنهادی:

And their plan had not been to do away with the mountains.

با بررسی ۷۵ یادداشت که از ترجمه‌های این پنج مترجم تهیه شده است، میزان دقت این مترجم‌ها در ترجمه این‌گونه آیات به شرح ذیل محاسبه می‌شود.

نام مترجم	تعداد آیات بررسی شده	تعداد صحیح	تعداد غلط	درصد صحت ترجمه
صحیح	۱۵	۱۰	۵	٦٦.٦٧٪
رادول	۱۵	۱۰	۵	٦٦.٦٧٪
پیکثال	۱۵	۹	٦	٦٠٪
یوسف علی	۱۵	۹	٦	٦٠٪
آربری	۱۵	۷	۸	٤٦.٦٧٪

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۳-۵- تشخیص درست جمله شرط و جواب شرط

یکی دیگر از نکاتی که بسیار در ترجمه جملات شرط، مهم و قابل توجه است، دقت در تشخیص جمله شرط و جواب شرط است. این مسأله، زمانی پر رنگ‌تر می‌شود که چندین جمله به صورت معطوف یا غیرمعطوف در کنار هم قرار گرفته باشد؛ در چنین شرایطی براساس قرائن عقلی و گاه با قرائن لفظی، می‌توان به تشخیص جمله شرط و جواب شرط پرداخت.

در آیه شریفه ﴿**وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ**﴾ (مؤمنون/ ۱۱۷)، جمله ﴿**لا برهان له به**﴾، یا صفت برای «**إله**» است و یا جمله معترضه است و جواب شرط ﴿**فإنما حسابه عند ربه**﴾، می‌باشد. توالی این دو جمله در کنار یک‌دیگر، باعث شده تا برخی از مترجمان جمله ﴿**لا برهان له به**﴾ را به عنوان جواب شرط، تلقی کنند. برای بررسی بیش‌تر، نگاهی به عملکرد مترجمان در ترجمه این آیه خواهیم داشت.

ARBERRY: "And whosoever calls upon another god with God, whereof he has no proof, his reckoning is with his Lord"

RODWELL: "And whoso, together with God, shall call on another god, for whom he hath no proof, shall surely have to give account to his Lord".

PICKTHALL: "He who crieth unto any other god along with Allah hath no proof thereof. His reckoning is only with his Lord".

YUSUFALI: "If anyone invokes, besides Allah, Any other god, he has no authority therefor; and his reckoning will be only with his Lord"!

SAHEEH: "And whoever invokes besides Allah another deity for which he has no proof - then his account is only with his Lord".

اگرچه آربری، جمله جواب شرط را درست تشخیص داده است، اما جمله ﴿**لا برهان له به**﴾ را به‌عنوان تعلیل، ترجمه کرده است که صحیح نیست.

پیکثال، جمله ﴿**لا برهان له به**﴾ را به‌عنوان جواب شرط تلقی کرده است و جمله بعد را، با نقطه آورده که نشان دهنده استینافیه گرفتن آن جمله، توسط وی می‌باشد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

یوسف‌علی نیز، جمله ﴿**لا برهان له به**﴾ را جواب شرط پنداشته و جمله بعد را به صورت معطوف به آن ترجمه کرده است.

در این میان، رادول و صحیح، در تشخیص جمله جواب شرط موفق بوده و بنابراین، ترجمه این دو مترجم به‌عنوان ترجمه درست انتخاب می‌شود.

﴿**وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا**﴾ (توبه/ ۹۲)

ARBERRY: "neither against those who, when they came to thee, for thee to mount them, thou saidst to them, 'I find not whereon to mount you'; they turned away"

RODWELL: "Nor against those, to whom when they came to thee that thou shouldst mount them, thou didst say "I find not wherewith to mount you," and they turned away their eyes shedding floods of tears for grief"

PICKTHALL: "Nor unto those whom, when they came to thee (asking) that thou shouldst mount them, thou didst tell: I cannot find whereon to mount you. They turned back with eyes flowing with tears"

YUSUFALI: "Nor (is there blame) on those who came to thee to be provided with mounts, and when thou saidst, "I can find no mounts for you," they turned back, their eyes streaming with tears of grief"

SAHEEH: "Nor [is there blame] upon those who, when they came to you that you might give them mounts, you said, "I can find nothing for you to ride upon." They turned back while their eyes overflowed with tears out of grief"

در این آیه شریفه، براساس معنا در می‌یابیم که جمله ﴿**قلت لا أجد**﴾، معطوف به جمله شرط بوده و حرف عطف در آن مقدر شده است (ابن دمامینی، بی‌تا، ج۲: ۵۱۳؛ رضی الدین استر آبادی، ۱۳۸٤، ج۲: ۳٤۹؛ برکات، بی تا، ج۵: ۲۰۹؛ ابن هشام، بی‌تا، ج۲: ٦۳۵) و جواب شرط در واقع ﴿**تولوا و أعينهم تفيض من الدمع**﴾ است.

برخی دیگر از نحویان در این آیه شریفه، جمله ﴿**قلت لا أجد**﴾ را جمله حالیه تلقی کرده‌اند (ناظر الجیش، بی‌تا، ج۵: ۲۳٤۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج۲: ۱۰۳).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

در ترجمه آربری، به‌علت عدم ظاهر کردن حرف عطف، معلوم نیست که کدام جمله به‌عنوان جواب شرط در نظر گرفته شده است، اما با توجه به نقطه ویرگول که بر سر جمله آخر نهاده شده است، ظاهراً جمله سوم مستأنفه تلقی شده است.

رادول، حرف عطف را بر سر جمله ﴿**تولوا و أعینهم تفیض من الدمع**﴾، آورده است که صحیح نیست.

پیکثال، جمله ﴿**قلت لا أجد**﴾ را جواب شرط گرفته و ﴿**تولوا و أعینم تفیض من الدمع**﴾ را بعد از نقطه و پایان جمله قبل آورده است.

یوسف‌علی، با ظاهر کردن حرف عطف بر سر جمله ﴿**قلت لا أجد**﴾، به خوبی جواب شرط بودن ﴿**تولوا و أعینهم**﴾ را نشان داده است.

ترجمه صحیح، اگرچه ظاهراً جواب شرط را درست تشخیص داده، اما می‌توانست با اضافه کردن یک حرف عطف، احتمال برداشت اشتباه از آیه را از بین ببرد.

۴- نتیجه‌گیری

براساس آنچه گذشت، پژوهش حاضر به نتایج زیر دست یافت:

۱- جملات شرط، در هر زبانی، از یک منظر، به دو دسته محال و غیرمحال و از منظری دیگر، به دو دسته تک‌سببی و چندسببی تقسیم می‌شود. توجه به شیوه بیان هر نوع از این شروط در زبان عربی و انگلیسی متفاوت است که مترجم باید در هنگام ترجمه دقت کافی را در ترجمه آن‌ها به کار گیرد. هرکدام از انواع جملات شرط در هر زبان، قواعد خاصی دارند که برای ترجمه، باید به این قواعد توجه ویژه‌ای داشت. در هر زبانی، نوع جملات شرط از طریق قرائن عقلی، لفظی و یا حالی دریافت می‌شود که مواضع استفاده از این قرائن در زبان‌های مختلف متفاوت است. به عبارت دیگر، ممکن است برای نمایش دادن یک معنا در یک زبان، از یک قرینه لفظی استفاده شود؛ اما در زبانی دیگر برای نمایش دادن همان معنا لازم باشد از یک قرینه عقلی استفاده کرد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۲- افعال، در جملات شـــرط می‌توانند در زمان‌های متفاوتی اســـتعمال شـــوند، اما معنایی که یک زمان در جمله شـــرط در زبان‌های مختلف ایجاد می‌کند با زبان دیگر متفاوت اســـت. بنابراین مترجم نباید عیناً زمان مســـتعمل در جمله زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل کند، بلکه باید معنای جمله را دقیق بفهمد و در زبان مقصد فعلی که همان معنا را ایجاد می‌کند استعمال نماید، اگر چه که زمان فعل در زبان مقصد و مبدأ یکسان نشود.

۳- چند نکته در ترجمه جملات شـــرط قرآن به انگلیســـی برای مترجمان چالش زا بوده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به توجه به زمان افعال به کار برده شده در جمله، مفهوم امتناع و تبعید در شرط، شروط تاکیدی، خلط انواع مختلف حروف و ا سامی شرط با یک‌دیگر و نیز تشخیص صحیح جمله شرط و جواب شرط اشاره کرد.

در تحقیق حاضر مجموعاً ٦٩٥ یادداشت از ١٤١ آیه از قرآن کریم جمع آوری شده ا ست که بعد از برر سی ترجمه‌های هر یک از پنج مترجم، در ستی و دقت در عملکرد هر مترجم بر طبق جدول ذیل محاسبه می‌شود.

نام مترجم	تعداد آیات بررسی شده	تعداد صحیح	تعداد غلط	درصد صحت ترجمه
صحیح	١٤١	١٠٦	٣٥	٧٦.٢٦٪
پیکثال	١٤١	٥٠	٩١	٣٥.٩٧٪
یوسف علی	١٤١	٥٠	٩١	٣٥.٩٧٪
آربری	١٤١	٤٦	٩٥	٣٣.٠٩٪
رادول	١٤١	٤٢	٩٩	٣٠.٢٢٪

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۵- پی‌نوشت

1 – Conditional sentences

2 - Main claus

3– Conditional clause

٤ – زبان انگلیسی در این باره از اهمیت ویژه‌تری نسبت به فارسی برخوردار است، زیرا نوع استعمال الفاظ اعم از ادات شرط و نوع و زمان افعال در جملات انگلیسی تفاوت‌های نسبتاً زیادی با زبان عربی دارد. از این رو عدم توجه به برخی از مواردی که ممکن است در ترجمه فارسی قرآن خللی وارد نسازد، در ترجمه انگلیسی ممکن است تغییرات شدیدی در مفهوم به وجود بیاورد.

۵ – به نقل از دانشنامه آزاد ویکیپدیا

٦ – مطالب مربوط به احکام و قواعد جملات شرط معمولاً ذیل مباحث مواضع جزم فعل مضارع و یا ذیل بیان معانی ادوات زبان عربی مطرح شده است.

۷ – منظور از شرط ماضی، فعل ماضی لفظی یا معنوی نیست، بلکه به طور کلی شرطی مد نظر است که درباره گذشته صحبت کند. به عنوان مثال در جمله «اگر دیروز فلان کار را انجام می‌دادی، الان موفق می‌شدی» شرط مربوط به زمان گذشته است.

۸ – اگرچه در برخی از مواضع حروف به جای یکدیگر نیز استعمال می شوند که با استفاده قرائن می‌توان به معنای مورد نظر آن‌ها در جمله دست پیدا کرد.

۹ – البته لازم به ذکر است که در برخی مواضع، قرائن لفظی‌ای همچون ذکر مفهوم مخالف برای یک جمله و عدم ذکر مفهوم مخالف برای جمله‌ای دیگر در همان سیاق می‌تواند نشان دهنده توقف جزاء بر شرط در جمله‌ای که مفهوم مخالف آن ذکر شده و عدم توقف جزاء بر شرط در جمله‌ای که مفهوم مخالف آن ذکر نشده باشد.

10- Open Conditionals

۱۱ – این نوع از جملات شرطی در زبان عربی شرط‌های عقلی نامیده می شوند (القرافی ، ۱۹۹۸، ج۱: ۱۰۵).

۱۲ – به این گونه شروط در زبان عربی شرط‌های عادی گفته می‌شود (ابن النجار ، ۱٤۱۸، ج۱: ۳٦۰).

13 – Unreal Conditionals

١٤ – این دسته از شروط و همچنین نوع بعد در دسته شروط امتناعیه در عربی قرار می‌گیرند. چرا که وقوع جزاء شرط در آن‌ها محال و یا نزدیک به محال است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۱۵ – در بخش‌های بعدی مقاله بیش‌تر به این نوع از جملات پرداخته خواهد شد.

۱٦ – به جز در مواردی که فعل «کان» به همراه فعل شرط به کار برده شده باشد.

۱۷ – کلمه «اگرچه» از جهاتی با «حتی اگر» متفاوت است، اما این دو کلمه در زبان انگلیسی تا حدودی با هم همپو شانی دارند و «اگرچه» در حالتی که دقیقاً معنای «حتی اگر» دا شته با شد نیز به کار می‌رود. نشانه مفهوم «حتی اگر» برای «اگرچه» در زبان انگلیسی کلمه «would»ی است که در جواب شرط آورده می‌شود.

۱۸ – البته می‌توان چنین ساختاری را به این معنا تلقی کرد: جمله خبریه، یک جمله شرطیه با حرف عطف «واو» و ادات شرط «لو» یا «إن» که بدون جمله جواب می‌آید. ولی چون این ساختار با این معنا فراگیر نیست نمی‌توان آن را به عنوان یک قاعده معرفی کرد.

۱۹ – به عنوان مثال نک: مبرد، بی‌تا، ج۲: ٦۲۲ – ابن‌جنی، بی‌تا،: ۱۵۸

۶- منابع

*قرآن کریم

۱- ابن اثیر، مبارک بن محمد، *البدیع فی علم العربیة*، مکه مکرمه: جامعة أم القری، معهد البحوث العلمیة و إحیاءالتراث الإسلامی، (بی‌تا).

۲- ابن النجار، تقی الدین أبو البقاء، *شرح الکوکب المنیر*، الریاض: مکتبة العبیکان، (۱٤۱۸ق).

۳- ابن دمامینی، محمد بن ابی بکر، *شرح الدمامینی علی مغنی اللبیب* (تحقیق: احمد عزو عنایه)، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، (بی‌تا).

٤- ابن هشام، عبدالله بن یوسف، *مغنی اللبیب*، قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره)، (بی‌تا).

۵- ابن‌جنی، عثمان بن جنی، *کتاب شرح اللمع فی النحو*(تحقیق: محمد خلیل مراد حربی)، بیروت: دار الکتب العلمیة، (بی‌تا).

٦- _____، *الخصائص* (تحقیق: عبدالحمید هنداوی)، بیروت: دارالکتب العلمیة، (بی‌تا).

۷- القرافی، أحمد بن إدریس، *الفروق مع هوامشه*، بیروت: دار الکتب العلمیة، (۱۹۹۸م).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۸- آلوسی، محمودبن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (١٤١٥ق).

۹- برکات، ابراهیم ابرایهم، *النحو العربی*، قاهره: دارالنشر للجامعات، (بی تا).

۱۰- جرجانی، علی، *التعریفات*، بیروت: دارالکتب العربی، (١٤٠٥ق).

۱۱- حسن، عباس، *النحو الوافی مع ربطه بالأساليب الرفيعة و الحياة اللغوية المتجددة*، تهران: ناصر خسرو، (١٣٦٧ش).

۱۲- رضی الدین استر آبادی، محمد بن حسن، *شرح الرضی علی الکافیة*، تهران: موسسهٔ الصادق للطباعه و النشر، (١٣٨٤ش).

۱۳- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل* (تحقیق: مصطفی حسین احمد)، بیروت: دار الکتاب العربی، (١٤٠٧ق).

١٤- سامرایی، فاضل صالح، *معانی النحو*، الآردن: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، (١٤٢٠ق).

۱۵- سبکی، علی بن عبد الکافی، *عروس الأفراح فی شرح تلخیص المفتاح* (تحقیق: عبدالحمید هنداوی)، بیروت: المکتبة العصریة، (بی‌تا).

١٦- سیوطی، جلال الدین، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العربی، (١٤٢١ق).

۱۷- _____، *همع الهوامع شرح جمع الجوامع فی النحو* (تحقیق: احمد عزو عنایه)، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، (بی‌تا).

۱۸- شرتونی، رشید، *مبادی العربیة فی الصرف و النحو*، قم: دارالعلم، (١٣٨٧ش).

۱۹- شوکانی، محمد، *إرشاد الفحول*، دمشق: دارالکتب العربی، (١٩٩٩م).

۲۰- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، (١٣٩٠ش).

۲۱- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، (١٣٧٢ش).

۲۲- مبرد، محمد بن یزید، *المقتضب* (تحقیق: حسن حمد)، بیروت: دار الکتب العلمیة، (بی تا).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]

۲۳- مدنی، علیخان بن احمد، *الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة* (تحقیق: ابو الفضل سجادی)، قم: ذوی القربی، (بی‌تا).

۲٤- مروجی، علی، *تمهید الوسائل فی شرح الرسائل*، قم: مکتب النشر الاسلامی، (۱٤۱۰ق).

۲۵- ناظر الجیش، محمد بن یوسف، *شرح التسهیل المسمی تمهید القواعد بشرح تسهیل الفوائد*، قاهره: دارالسلام، (بی‌تا).

26- Eastwood ،John ،*Oxford Guide to English Grammar* ،New York: Oxford University Press.(1994)

27- Murphy ،Raymond ،*Basic Grammar in Use* ،New York: Cambridge University Press،(2011)

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.10.5.6]